



بیانات در مراسم تنفيذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران - 7 / مرداد / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

روز تنفيذ و مراسم تنفيذ، آخرين برگ از كتاب قطور و پرمضمونى است كه ملت عزيز ايران و دست اندركاران به وسيله اين انتخابات پُرانگيزه تدوين كردند و آن را در قفسه‌ى افتخارات كشور ايران ماندگار كردند. خدا را شاكر هستيم كه انتخابات رياست جمهورى چهاردهم با وجود فضاى اندوه عمومى ناشى از فقدان رئيس جمهور فقيد شهيدمان، مرحوم آقاى رئيسى (رضوان الله عليه) بحمدالله به بهترين وجهى انجام گرفت ؛ با آرامش، با سلامت، با رقابت، با برخورد اخلاقى رقبا با رئيس جمهور منتخب و محترم بعد از انتخابات كه اين برخوردها بسيار تحسين برانگيز بود. اين آزمون مهمى براى كشور بود كه بحمدالله اين آزمون با موفقيت انجام گرفت و نتيجه‌ى شيرين آن را ان شاءالله ملت عزيزمان خواهند چشيد.

بنده لازم ميدانم نقش سرپرست محترم رياست جمهورى، جناب آقاى مخبر را و هيئت دولت را در مديريت امور كشور در اين حدود دو ماه يادآورى كنم و از اين آقاى تشكر كنم ؛ نقش مهمى را ايفا كردند و توانستند به فضل الهى كشور را در وضعيت آرامش و با روحيه‌ى عمومى خوب مردم به انتخابات برسانند و انتخابات را به بهترين وجهى به پايان ببرند.

ما بحمدالله يك مردم سالارى آميخته‌ى با رقابت و سلامت در كشورمان داريم. عزيزان من! اين مردم سالارى كه امروز در كشور ما وجود دارد، ارزان و آسان به دست نيامده ؛ اين نتيجه‌ى قيام مردم در قبال يك وضع نابسامان و مصيبت بارى است كه در گذشته در اين كشور وجود داشته. امام بزرگوار ما، از روز اول پيروى انقلاب، با قاطعيت تمام، يك امر بى سابقه‌ى در كشور را تثبيت كردند و آن، دخالت مردم، حضور مردم و تأثير مردم در اداره‌ى كشور است ؛ اين كار بزرگ امام بزرگوار ما بود كه يكي از مهم ترين حوادث تاريخ زندگى كشور ما است.

قبل از اينكه ملت ايران به رهبرى امام بزرگوار به مردم سالارى دست پيدا بكنند، ما فقط تجربه‌ى مشروطيت را داشتيم كه اين تجربه، تجربه‌ى ناکامى بود. در مشروطيت، مردم مجاهدت كردند، تلاش كردند، شهيد دادند، مبارزات فراوانى انجام گرفت، لکن به دليل اينكه يك رهبرى قدرتمند و متنقذ و مردمى بر سر كار نبود، تقريباً از همان اولين روزها كشور دچار آشفتگى شد، بيگانها دخالت كردند، خودسرهاى داخلى وارد ميدان شدند، حدود پانزده سال كشور در حال آشفتگى بود، بعد هم ديكتاتورى خشن رضاشاهى بر سر كار آمد ؛ يعنى بين امضای حکم مشروطيت و روى كار آمدن يك ديكتاتور خشن بى رحم وابسته‌اى مثل رضاخان، حدود پانزده سال بيشتر فاصله نشد ؛ و همه‌ى زحمات ملت با روى كار آمدن رضای پهلوى بر باد رفت.

خصوصيت و شاخص مهم حكومت پهلوى اول - كه تقريباً چهار سالش به صورت نخست وزير و فرمانده نيروهاى مسلح و مانند اينها بود، و بقيه اش هم به عنوان سلطنت و پادشاهى بود - از يك طرف عبارت بود از ديكتاتورى



خشن و مظلوم‌کشی و فشار به ملت، و از یک طرف ذلت و اطاعت و انفعال در مقابل عوامل خارجی. رضاشاه را انگلیس‌ها سر کار آوردند و هر چه آنها خواستند انجام گرفت؛ هم در باب سیاست، هم در باب فرهنگ، هم در باب نوع اداره‌ی کشور، همان که آنها میخواستند در کشور اتفاق افتاد: منابع ملی به غارت رفت؛ قرارداد ظالمانه‌ی نفت که در شرف انتها بود، سی سال اضافه شد؛ با مردم سخت‌گیری و سرکوب انجام گرفت؛ با دین و دین‌داری و روحانیت که عامل مهمی در حرکت مردم بود، صریحاً و علناً مبارزه شد؛ بعد هم در اواخر دوره، وقتی که آنها احساس کردند رضاشاه یک گرایشی به آلمان هیتلری پیدا کرده – با شروع جنگ جهانی دوم و حرکت‌های آلمان که نشان میداد دارد پیش میرود، یک گرایشی پیدا کرده بود – همین انگلیس‌هایی که او را سر کار آورده بودند، آمدند دست او را گرفتند گفتند که اخراج! او را تبعید کردند و پسر نالایق او را به جای او نشانند و همان سیاستها ادامه پیدا کرد. محمدرضا هم همان راه پدر را رفت؛ یعنی سخت‌گیری بر مردم، اختناق شدید داخلی، کمک به بیگانگان در تصرف منابع ملی ایران، عمدتاً نفت، و ذلت در مقابل سیاست‌های بیگانه – این حرفها را یک وقتی ماها میگفتیم، بعدها که کتابهای خاطرات خود خانواده‌ی پهلوی و کسانشان و نزدیکانشان منتشر شد، دیدیم همین حرفهایی که ما میدانستیم و میگفتیم، آنها خودشان به این حرفها اقرار میکنند – تعیین نخست‌وزیر با هدایت بیگانگان، با اراده‌ی بیگانگان؛ تعیین نوع خرید تسلیحات، نوع فروش نفت، قیمت هر کدام و بقیه‌ی مسائل عمده‌ی اداره‌ی کشور به عهده و تابع اراده‌ی بیگانگان، و فشار بی‌دریغ بر مردم؛ این وضعیت سیاست اینها بود. اینها مهم است؛ توجه به این نکات مهم است. کار به جایی رسید که محمدرضای پهلوی برای سرنگون کردن یک دولت ملی که استثنائاً با رأی مردم بر سر کار آمده بود، برای اینکه این دولت را سرنگون کند، متوسل شد به آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها که کودتا کنند در ایران، و کودتا کردند و دولت را سرنگون کردند. یعنی دیگر خیانت بالاتر و آشکارتر از این تصور نمیشود! این مردم‌سالاری که شما امروز در ایران مشاهده میکنید، برآمده از قیام ملت ایران در مقابل یک چنان وضعی است. ملت ایران هرگز دخالت در امور اداره‌ی کشور را تجربه نکرده بود، آزمایش نکرده بود؛ انقلاب اسلامی این را هدیه کرد به ملت ایران به دست امام بزرگوار و برجسته‌ی بی‌نظیر ما. قدر این را باید دانست: این مردم‌سالاری، این حضور مردمی.

ما در جمهوری اسلامی در این چهل و چند سال دهها انتخابات داشتیم؛ انتخابات مجلس، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراها، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، انتخابات خبرگان رهبری، و همه همراه با رقابت، با سلامت، با حضور پُرانگیزه‌ی مردم، گاهی بیشتر، گاهی کمتر؛ این در درجه‌ی اول اهمیت قرار ندارد؛ آنچه در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، «انگیزه‌دار بودن مردم» است. مردم با انگیزه می‌آیند پای صندوق رأی و رأی میدهند؛ و این اتفاق همواره افتاده و وجود داشته.

بحمدالله انتخابات اخیر هم بخوبی انجام گرفت؛ و مردم بحمدالله رئیس‌جمهور شایسته‌ای را انتخاب کردند. بیاناتی که امروز ایشان اینجا کردند، متقن و عمیق و حاکی از پایبندی به مبانی حقیقی مردم‌سالاری اسلامی است. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند به ایشان کمک کند. همه‌ی ما باید کمک کنیم در حد خودمان که ایشان و دولتشان بتوانند این کارهای بزرگ را انجام بدهند. خب این عرایض ما در مورد اصل قضیه.

بنده چند توصیه می‌خواهم عرض بکنم که این توصیه‌ها، هم به دولت و مسئولینی است که ان‌شاءالله در جایگاه‌های مهم مسئولیت قرار خواهند گرفت، هم به عموم ملت است، و به همه‌ی ما و خود ما توصیه میکنیم.

توصیه‌ی اول. کشور ما، کشور بزرگی است، ملت ما ملت بزرگی است. در میان ملت ما کسانی که صاحب فکرند، صاحب ابتکارند، صاحب تجربه‌اند، صاحب آراء جدیدند، بی‌شمارند؛ وقتی انسان پای صحبت این و آن می‌نشیند،



این قدر حرف نو، فکر نو، ابتکار نو در سخنان گوناگون افراد در قشرهای مختلف می‌شنود که شگفت‌زده می‌شود. پیشنهادهایی که به صورت مکتوب می‌دهند، حرفهایی که حضوری می‌زنند، آنچه به عنوان اعتراض می‌گویند، آنچه به عنوان پیشنهاد می‌گویند، همه برای انسان از این جهت مؤثر است که نشان‌دهنده‌ی فکر نو، ابتکار نو، تجربه‌ی خوب و راهگشایی برای آینده است. این [ظرفیت] کشور ما است. من عرض می‌کنم که این یک ثروت عظیم ملی است و از این باید استفاده کرد. دولت محترم و رئیس‌جمهور محترم ان‌شاءالله برای مردم، با مردم، در میان مردم از این «ظرفیت عظیم مردمی» استفاده کنند و از آن برای رسیدن به اهدافی که ذکر کردند و راهی که می‌خواهند بروند، بهره بگیرند.

البته در کنار این فرصتهای انسانی، ثروتهای طبیعی و مادی ما هم وجود دارد که آن هم فراوان است. ثروتهای طبیعی کشور ما خیلی بیش از آن چیزی است و آن مقداری است که ما تا به حال از آن بهره گرفته‌ایم و استفاده کرده‌ایم؛ خیلی بیشتر از اینها است. ما میتوانیم کارهای بزرگی را به اتکاء این منابع انسانی و ثروت انسانی و ثروت طبیعی انجام بدهیم؛ شرطش این است که همت بلند داشته باشیم، کارها را بج‌د دنبال کنیم و همکاران خوبی را ان‌شاءالله انتخاب کنیم. این توصیه‌ی اول ما است.

توصیه‌ی بعدی مربوط به «کار جهادی» است. من عرض می‌کنم با روحیه‌ی جهادی میشود کوه‌های مشکل را از جا کند. کار جهادی یعنی چه؟ یعنی خستگی‌ناپذیری، بی‌مزد و بی‌منت کار کردن، هدف را انجام وظیفه‌ی انسانی و خدایی قرار دادن، و پیش رفتن؛ این کار جهادی است. البته چهارچوب‌های قانونی و اداری وجود دارد، باید رعایت بشود، اما کار جهادی، کیفیت است، نوع کار است. صد درصد کار قانونی میشود انجام داد، به صورت جهادی و به غیر صورت جهادی؛ خیلی‌ها هستند ظاهر قانون را رعایت میکنند اما کار پیش نمی‌رود، کار انجام نمی‌گیرد. آقای رئیس‌جمهور محترم، چند روز قبل، راجع به همین که در برخی از بخشهای اداری ما آدمی نشسته که موظف است، مسئول است، اما محصول کار او در صبح تا شب محصول قابل توجهی نیست، محصول به‌دردبخوری نیست، با من صحبت میکردند که حرف درستی است. کار جهادی نقطه‌ی مقابل این است. ما با کار جهادی کارهای بزرگی در کشور انجام دادیم: دفاع مقدس هشت‌ساله‌ی ما با کار جهادی پیش رفت؛ توطئه‌های پیچیده‌ی رنگارنگ دشمن در این سی‌چهار سال، با کار جهادی خنثی شد. شهید رئیسی (رضوان الله تعالی علیه) اهل کار جهادی بود؛ واقعاً شب و روز نمی‌شناخت؛ واقعاً دنبال آفرین و احسن برای این‌همه کاری که میکرد نبود؛ این را ما از نزدیک دیدیم، حس کردیم. به معنای واقعی کلمه تلاش میکرد، کار میکرد، هر آنچه از دستش برمی‌آمد انجام میداد، خیلی‌ها هم نمی‌فهمیدند؛ یعنی کارهایی نبود که جلوی چشم مردم باشد، ولی کار میکرد. این هم توصیه‌ی بعدی ما که [عبارت بود از] کار جهادی، ورود مجاهدانه در میدان و اجتناب از کنترل از راه دور؛ اینکه مدیری بخواهد از راه دور کارها را کنترل کند، نمیشود؛ باید برود در دل کار.

توصیه‌ی بعدی: تعامل ارکان کشور؛ بدون این نمیشود کار کرد. مجلس باید به دولت کمک کند؛ دولت باید روی حساسیتهای مجلس حساب کند؛ قوه‌ی قضائیه در هر نقطه‌ای که مورد نیاز است باید حضور فعال داشته باشد؛ نیروهای مسلح در هر جایی که دولت نیاز دارد و مردم نیاز دارند، طبق وظایفشان حضور داشته باشند؛ همه بایستی نقش‌آفرینی کنند. این جلسات رؤسای قوا فرصت بسیار خوبی است. بنده قبلاً هم به مسئولان قوا توصیه کرده‌ام، الان هم به آقایان که اینجا تشریف دارند، توصیه می‌کنم این جلسات رؤسای سه قوه و تبادل نظر را جدی بگیرند؛ این کار، کار بسیار خوبی است؛ تجربه‌ی ما است که سالهای متمادی از این استفاده کرده‌ایم.



توصیه‌ی بعدی، رعایت اولویتهای است. البته همه میدانند که بنده نسبت به مسائل فرهنگی خیلی حساسم؛ مسائل فرهنگی و مسائل اجتماعی مسائل بسیار مهمی است، شاید بیش از همه چیز اهمیت دارد؛ لکن امروز از لحاظ زمانی، اولویت با مسائل اقتصادی است. یک تحرک اقتصادی حساب شده‌ی قوی پیگیر مورد نیاز است. البته کارهایی در دولت قبل انجام گرفته که کارهای باارزشی است و باید ادامه پیدا کند، کارهای دیگری هم باید اضافه بشود.

در مسائل اقتصادی، هم از زاویه‌ی دید مسائل کلان بایستی به مسئله‌ی اقتصادی پرداخت – مسئله‌ی ارزش پول ملی، مسئله‌ی تولید، مسئله‌ی سرمایه‌گذاری، مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار؛ مسائل اساسی و کلی – هم از نظر بهبود وضع معیشت مردم که یک کار فوری و کوتاه‌مدت است، کارهایی را میشود انجام داد و ان شاء الله انجام بگیرد. البته در هر دو زمینه کارهایی شده و خوب است که ادامه پیدا کند.

توصیه‌ی بعدی، مربوط به فضای احساسات عمومی ناشی از انتخابات است، که مخاطب این [توصیه] آحاد مردمنده، فعالان سیاسی و اجتماعی‌اند. خب انتخابات طبعاً چالش برانگیز است دیگر؛ افرادی در انتخابات، در دو طرف قضیه قرار میگیرند، چالشهایی به وجود می‌آید؛ نباید به وسوسه‌های دوقطبی‌سازی اعتنا کرد و ترتیب اثر داد؛ این توصیه‌ی مؤکد بنده است. نباید احساساتی که افراد را در دوره‌ی انتخابات وادار به مجادله‌ی با یکدیگر میکرد ادامه پیدا کند؛ نگذارید ادامه پیدا کند. خب خاصیت انتخابات این است دیگر: یکی رأی می‌آورد، یکی رأی نمی‌آورد؛ این نتیجه‌ی انتخابات است. انتخابات یعنی همین؛ مثلاً یک نفر مورد علاقه‌ی شما است رأی می‌آورد، یک نفر مورد علاقه‌ی دیگری است رأی نمی‌آورد؛ این طبیعی است؛ این نباید موجب نِقار (۲) بشود؛ این نباید موجب اختلاف و شکاف و جدایی بشود. در جمهوری اسلامی سلايق گوناگون، گرایشهای گوناگون از اول انقلاب تا حالا آمدند بالا، رفتند پایین؛ بعضی‌ها امروز رأی آوردند، فردا دیگری رأی آورده؛ عکسش هم همین جور؛ این همین «و تِلْكَ الْآيَاتُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (۳) است دیگر؛ این امتحان است. بنده عرض میکنم در همه‌ی این انتخابات‌هایی که اتفاق افتاده، ملت ایران پیروز شده؛ ما شکست خورده نداریم. آن کسانی که وارد میدان شدند، از یک نامزدی حمایت کردند و آن نامزد رأی نیآورد، اینها شکست نخوردند، اینها هم پیروزند؛ اینها جزو ملت ایرانند دیگر، ملت ایران پیروز است. بنابراین آن حالت نِقار یا دلخوری و دلتنگی‌ای که گاهی ممکن است در اثنای مجادلات و مباحثات انتخاباتی اتفاق افتاده باشد، نباید ادامه پیدا کند. نه آن کسی که نامزدش رأی آورده است باید احساس اعتلا کند، نه آن کسی که نامزدش رأی نیآورده است باید احساس شکست کند؛ هیچ‌کدام، نه این [احساس] اعتلا میکند، نه آن احساس شکست میکند. این هم توصیه‌ی بعدی ما است که مخاطبش همه‌ی فعالان سیاسی و اجتماعی و انتخاباتی و مانند اینها است.

توصیه بعدی، «قدرشناسی توان داخلی کشور و تکیه‌ی به توان داخلی» است. مخاطب این [توصیه] مسئولین محترمند که ان شاء الله زمام امور هدایت کشور و پیشرفت کشور را، اجرائیات کشور را بر عهده خواهند داشت. به توان داخلی اهمیت بدهند. «ما میتوانیم» یک شعار همیشگی باقی بماند؛ واقعش هم همین است. این حرف البته به معنای این نیست که ما از توانهای خارجی استفاده نکنیم؛ هیچ عاقلی این حرف را نمیزند. خب باید از همه‌ی امکانات استفاده کرد؛ امکانات داخلی، خارجی، دوستان. حتی گاهی دشمنان ما یک حرکتی انجام میدهند که به نفع ما است، از آن هم باید استفاده کرد. استفاده باید کرد، منتها توان داخلی را ندیده نباید گرفت؛ هیچ مسئله‌ی داخلی را متوقف و آویزان به یک موضوع خارجی نباید کرد؛ این عرض ما است. هر کاری که میتوانید در سطح دنیا انجام بدهید، انجام بدهید؛ کارهای خوب را، کارهایی را که عزت‌آفرین است، شرافتمندانه است انجام بدهید، اما از



توان داخلی، قدرت داخلی، ابتکارات داخلی غفلت نشود؛ این تأکید بنده است که البته مثالهای زیادی وجود دارد.

توصیه‌ی بعدی در مورد مسائل مربوط به سیاست خارجی است. اولین مطلبی که در باب سیاست خارجی می‌خواهم عرض بکنم این است: در مقابل امواج و حوادث جهانی و بخصوص منطقه‌ای، برخورد کشور، برخورد فعال باشد، برخورد اثرگذار باشد، نه برخورد منفعل. مسائل گوناگونی چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ پیشرفت‌ها و ابتکارات فوق‌العاده و عجیب علمی – فرض کنید مثل هوش مصنوعی – در دنیا اتفاق می‌افتد؛ با این، فعال برخورد کنید، منفعل برخورد نکنید؛ اثرگذار برخورد کنید. غفلت و تغافل از آنچه در دنیا پیش می‌آید، در منطقه پیش می‌آید، جایز نیست. هر حادثه‌ای پیش می‌آید، ما یک موضعی در قبال آن داریم؛ این موضع را صریح، روشن، با قوت و متانت ابراز کنیم تا دنیا بشناسد و بفهمد که ایران اسلامی در این قضیه چه می‌گوید. دولت سیزدهم در این باره تلاش خوبی داشت. خدا رحمت کند، شهید خدمت، مرحوم امیرعبداللهیان (۴) را؛ دیپلمات خیلی خوبی بود، مذاکره‌کننده‌ی خیلی خوبی بود، تلاش و فعالیت خوبی داشت؛ بنده از نزدیک کارهای ایشان را میدیدم؛ خوب حرکت میکرد، خوب کار میکرد. این فعالیت و تلاش ان‌شاءالله بایستی ادامه پیدا کند.

یکی از حرف‌ها در مورد سیاست خارجی این است که ما در ارتباطات خارجی اولویتهایی داریم؛ یکی از اولویتهای ما همسایگان ما هستند. ما جزو کشورهای دارای همسایگان متعدّد هستیم؛ این از جمله‌ی امتیازات یک کشور است. تقریباً چهارده همسایه در اطراف ما هست؛ این یک امتیاز برای ما است. بایستی ما بر روی روابط با همسایگان کار کنیم، تلاش کنیم؛ این از اولویتهای ما است.

یکی از اولویتهای ارتباط با کشورهایی است که میدان دیپلماسی ما را میتوانند گسترش بدهند؛ مثلاً کشورهای آفریقا، کشورهای آسیا؛ اینها میدان دیپلماسی ما را گسترش میدهند؛ ارتباط با اینها جزو اولویتهای ما است.

یکی از اولویتهای ارتباط مستحکم با کشورهایی است که در این سالها در قبال فشارها از ما حمایت کرده‌اند، به ما کمک کرده‌اند؛ چه در سازمان ملل، چه در غیر سازمان ملل، چه در میدان عمل، همکاری‌های اقتصادی و غیره، از ما حمایت کرده‌اند؛ ما قدرشناسی باید بکنیم؛ ارتباطاتمان را با اینها بایستی مستحکم کنیم؛ این سیاست اولویت‌دار ما است؛ و از این قبیل کارهای اولویت‌داری در این زمینه وجود دارد.

البته این جور نیست که ما بگوییم یک انگیزه‌ی مخالفت و دشمنی‌ای با بعضی از کشورها، مثلاً کشورهای اروپایی – که حالا من جزو اولویتهای آنها را ذکر نکردم – داریم؛ نه. علت اینکه کشورهای اروپایی را بنده به عنوان اولویت ذکر نمی‌کنم، این است که اینها با ما این چندساله خوب رفتار نکردند؛ با ما خوب برخورد نکردند. در قضیه‌ی تحریم‌ها، در قضیه‌ی نفت، در قضایای گوناگون، در عناوین جعلی مثل حقوق بشر و امثال اینها، با ما بد رفتار کردند؛ [اگر] این رفتار بد را نداشته باشند، البته آن [کشورها] هم جزو اولویتهای ما است، آن هم جزو مواردی است که ارتباط با آنها برای ما دارای اولویت است. البته چند کشور هستند که ما اذیت‌های آنها را، رفتار عنادآمیزشان را فراموش نمی‌کنیم. این هم راجع به این [قضیه]. اینها توصیه‌های ما بود که عرض کردیم.

آخرین مطلبی که من عرض میکنم، مسئله‌ی غزه است که امروز یک مسئله‌ی جهانی است. یک روز موضوع فلسطین، صرفاً یک موضوع کشورهای اسلامی بود؛ امروز مسئله‌ی فلسطین و مسئله‌ی غزه، یک مسئله‌ی عمومی



جهانی است. این مسئله امروز از داخل کنگره‌ی آمریکا تا سازمان ملل تا المپیک پاریس تا همه‌جای دیگر، انتشار و گسترش دارد. رژیم صهیونیستی زشت‌ترین چهره‌ی یک باند جنایت‌کار را دارد از خودش ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد. اینها دولت نیستند؛ اینها یک باند جنایت‌کارند، یک باند قاتلند، یک باند تروریستند. اینها در ترور و قساوت و جنایت – جنایتهای عجیب و غریب – نصاب جدیدی را در تاریخ جنایت‌کاری بشر در دنیا به جا گذاشتند؛ یک نصاب جدیدی به وجود آوردند. امروز بمب‌های سنگین صهیونیست‌ها بر روی سر کسانی ریخته می‌شود که حتی یک گلوله شلیک نکرده‌اند؛ کودکان داخل گهواره‌ها، بچه‌های پنج‌ساله، شش‌ساله، زن‌ها، بیماران بیمارستان‌ها؛ اینها حتی یک گلوله به کسی شلیک نکرده‌اند، [اما] بمب روی سر اینها دارد ریخته می‌شود؛ چرا؟ این جنایت، یک جنایت بی‌سابقه است. قدرت مقاومت روزبه‌روز بیشتر دارد آشکار می‌شود؛ دشمن صهیونیستی با همه‌ی کمک‌های آمریکا، با همه‌ی کمکهایی که بعضی از دولتهای خائن، به او انجام دادند، نتوانسته نیروی مقاومت را زمین‌گیر کند، نتوانسته آنها را مغلوب کند. هدفی که اعلام کردند ریشه‌کن کردن حماس بود؛ امروز حماس – حماس و جهاد و به طور کلی مقاومت در فلسطین – با قدرت کامل ایستادگی کرده، اینها کاری با آنها نمیتوانند بکنند، روی سر مردم مظلوم غزه بمب میریزند! دنیا بایستی در مقابل این حادثه تصمیم جدی‌تری بگیرد. باید دولتها، ملت‌ها، شخصیت‌های فکری و سیاسی، در عرصه‌های مختلف جداً تصمیم بگیرند. آن وقت با این نگاه، آدم می‌فهمد که چه ننگ بزرگی را کنگره‌ی آمریکا چند روز قبل برای خودش هموار کرد که پای صحبت این جنایت‌کار نشست و گوش کرد! (۵) این، ننگ بزرگی است.

امیدواریم خداوند متعال ملت مظلوم فلسطین را پیروز کند. امیدواریم خداوند متعال ملت عزیز و بزرگ و پُرانگیزه‌ی ایران اسلامی را به اهداف والای خودش برساند. از خداوند متعال صمیمانه درخواست می‌کنیم که رئیس‌جمهور جدید عزیزمان و دولتی را که تشکیل خواهد شد، توفیق بدهد و کمک کند تا بتوانند کارهایی را که مایلند انجام بدهند، دنبال‌ش هستند و اعلام می‌کنند، ان‌شاءالله این اهداف عالی را محقق کنند و ملت ایران را سرافراز کنند. از خداوند متعال برای روح مطهر امام بزرگوار، ارواح مطهر شهیدان، روح شهید سلیمانی، روح شهید رئیسی و همراهانشان علو درجات را درخواست می‌کنیم و امیدواریم خداوند ما را هم به کاروان شهیدان ملحق کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای احمد وحیدی (وزیر کشور) گزارشی از روند برگزاری انتخابات ارائه کرد و سپس حکم تنفیذ ریاست جمهوری توسط حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب) قرائت شد و سپس آقای مسعود پزشکیان (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.

(۲) رنجش، کینه

(۳) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۰؛ «... و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم...»

(۴) شهید حسین امیرعبداللہیان (وزیر امور خارجه‌ی دولت سیزدهم)

(۵) اشاره به سخنرانی بنیامین نتانیاهو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) در کنگره‌ی آمریکا